

پس از ثبوت اینکه قبل از اسلام در ایران شعر وجود داشته است
معنی شعر وجود شعر پس از اسلام در ایران اثباتی لازم ندارد .

باید دانست معنی شعر چیست آیا معنی شعر همانستکه معاصرین آنرا
بیهوده و ژاژ میدانند یا اینکه بناء بعقیده کلیه قدهاء و اکثریت دانشمندان
معاصر (البته شعر خوب) برای پرورش مغز و آسایش جان فوق العاده ضروریست .
شعر در اصل لغت دانش است و ادراک معانی بحدس صائب و اندیشه
و استدلال راست و از روی اصطلاح سخنی است اندیشیده ، مرتب ، معنوی ، موزون
، متکرر ، متساوی الحروف و آخرین آن بیکدیگر مانده و در این حد گفته اند
سخن مرتب معنوی تافرق باشد میان شعر و هذیان و کلام نامرتب بی معنی و گفتند
متکرر تافرق باشد میان بیتی ذو مصراعین و میان بیت که اقل شعر بیتی تمام باشد
و گفتند متساوی تافرق باشد میان بیتی تمام و میان مصاریع مختلف هر یک بروزن
دیگر و گفتند حروف آخرین آن بیکدیگر مانده تافرق بود میان مقفی و غیر
مقفی که سخن بی قافیه را شعر نشمرند اگر چه موزون افتد (۱)

پس کسیکه دانشمند باشد و بحدس صائب معانی را ادراک کند و استدلال
صحیح داشته باشد ژاژ نگوید و چنین کسی وقتی که بخواهد دانش خود را با ترتیب
و معنی و موزون و متکرر بگوید بطوریکه حروف آخرین آن هم بیکدیگر مانده
باشد باید رنج بسیار برد و زحمت فراوان کشد و انسان عاقل و دانشمند اینقدر رنج
بر خود هموار نکند که سخنی ناپسند و ناروا را برشته تحریر در آورد .

همانطوریکه اگر در مطالعاتی ما معایب و نواقص بسیار مشهود است گناه
بر اسلام نیست بلکه گناه ماست که مسلمانان صحیح نیستیم اگر کسی هم شعر بد
و ناروانی بگوید گناه گوینده است نه گناه شعر و نباید شعر را که پیغمبر اسلام ص
از حکمت میدانند نکوهش کرد و بدورانداخت بلکه باید گزیده های آنرا انتخاب
و دستور زندگانی قرار داد .

البته شرایط شعر چنانکه در تعریف بالا گذشت بسیار است ولی اصولا کلیه
شرایط را در سه قسم علم شعر بشرح و تفصیل توضیح و تشریح کرده اند :

۱- علم اوزان (عروض) که شرح مبسوط آن در آهنگ سرواد بیان گردیده
 ۲- علم بدیع که شامل صنایع بدیعیه است و در علم بدیع مشروحاً در آن
 قلم فرسائی میشود.

۳- علم قافیه که در اینجا میخواهیم در این باب شرح و بسط لازم بدهیم.
 قافیه قسمت آخر از کلمه آخرین هر مصرعی میباشد. مصرع یا
 علم قافیه مصرع (لنگه) نیمی از شعر است که بر دو یاسه یا چهار رکن یا
 بیشتر مشتمل باشد و دو مصرع متساوی را فردیابیت گویند. (۱)
 در هر بیت آخر هر دو مصرع باید مقفی باشد. در دو بیتی یا قطعه، آخر هر بیت ولی
 ممکن است مصرع اول بیت اول با مصرع دوم از بیت اول هم قافیه باشد یا نباشد.
 در رباعی مصرع اول و دوم بیت اول با مصرع دوم بیت دوم باید مقفی باشد.
 در غزل و تغزل و قصیده باید مصرع اول بیت اول با مصرع دوم ابیات دیگر
 مقفی باشد.

در منظومه مصرع اول هر بیت با مصرع دوم همان بیت هم قافیه است و هم
 قافیه بودن آخر ابیات با هم ضرورت ندارد.

قافیه در یک چکامه نباید تکرار شود مگر در موارد زیر که جایز دانسته اند.

۱- قافیه مصرع اول از بیت اول اگر در مصرع دوم بیت دوم تکرار شود

جزء صنایع شعری محسوب است.

۲ قافیه مصرع اول بیت اول اگر در مصرع دوم بیت آخر تکرار شود جزء

محسنات شعری محسوبست.

۳- در اشعاریکه تعداد ابیاتش زیاد است بعد از بیت هفتم تکرار قافیه را

جایز دانسته اند.

۴ در غیر این موارد اگر بموجب ضرورت بیان مطلب. قافیه تکرار شود

معمولاً شاعر در همان شعر معذرت میخواهد.

۵- تکرار قافیه در صورتیکه معنی دیگری بدهد جایز و بلکه مستحسن است.

در صورتیکه کلمه ثنی بعینه در کلیه ابیات تکرار شود قافیه نخواهد بود

و نامش ردیف است و قبل از ردیف رعایت قافیه ضروریست

۱- برای توضیح بیشتر به آهنگ سرواد مراجعه شود